

تأثیر پذیری آیت الله محمد کاظم هزار جریبی از روش حدیث نگاری علامه محمد باقر مجلسی

□ علی قنبریان *

چکیده

یکی از اندیشوران نام آور و صاحب فکر و قلم در ادوار مختلف تفکر شیعی که آثار و تألیفات مختلف به ویژه در حوزه دانش های حدیثی و روایی دارد، مرحوم علامه محمد باقر مجلسی رحمته الله علیه است که بحد می توان گفت همه بزرگان اندیشه و فکر در علوم دینی به حد فراوانی خود را نیازمند مراجعه به آثار ایشان می دانند. موسوعه حدیثی فاخر و جامع ایشان موسوم به «بحار الانوار» به عنوان جامع ترین دایرة المعارف کلام معصومین علیهم السلام و نیز شرح محققانه بر کتاب «کافی» شریف با نام «مرآة العقول» که حاوی نکات رجالی، حدیثی، ادبی، کلامی، اجتهادی، و حتی بعضاً فلسفی و عرفانی است و مجموعه ای از کتاب های ریز و درشت در موضوعات مختلف حدیث و تاریخی و اعتقادی و اخلاقی و غیره، گویای تبحر ایشان در علوم مختلف و جامعیت منحصر به فرد آن مرحوم است. مجلسی بر بسیاری از دانشمندان متأخر از خود (اعم از شاگردان و غیر شاگردان)، تأثیر گذار بوده است. یکی از آن دانشمندان، محمد کاظم هزار جریبی است.

محمد کاظم هزار جریبی متوفای ۱۲۳۶ قمری از دانشمندان شیعی و کثیرالآثاری است که زندگانی ایشان مصادف با دو سلسله پادشاهی زندیان (۱۱۶۳-۱۲۰۹ق) و قاجاریان (۱۲۰۹-۱۳۴۴ق) می باشد. وی به لحاظ شوق فراوان به مطالعات حدیثی و آثار روایی و نیز اشتیاق زیاد به مباحث اعتقادی و کلامی و نیز علاقه به مباحث تاریخی به ویژه تاریخ اهل بیت علیهم السلام، در آثارش

* پژوهشگر دکتری دانشگاه تهران (Ali.Ghanbarian@alumni.ut.ac.ir).

۱۰۲ □ دوفصلنامه علمی - تخصصی مطالعات علوم حدیث، سال یازدهم، شماره ۱۴ بهار و تابستان ۱۴۰۲

مکرر به کتاب‌های مرحوم مجلسی مراجعه داشته و نظرات و دیدگاه‌های حدیثی و کلامی آن بزرگوار را مبنای فکری خود قرار می‌داده است. این تأثیرپذیری و تعلق فکری در اغلب آثار هزارجریبی مشهود بوده و می‌توان گفت روح غالب این کتاب‌ها همان اندیشه‌های مرحوم مجلسی می‌باشد که به صورت‌های گوناگونی در این آثار خودنمایی می‌کند. در این نوشتار به تبیین و بررسی گونه‌های مختلف آن، با تأکید بر مباحث حدیثی، می‌پردازیم.

واژگان کلیدی: روایت، علوم حدیث، کتب حدیث، محمدکاظم هزارجریبی، محمدباقر مجلسی.

۵۱

رسالة اعتقاد بسم الله الرحمن الرحيم **آقا محمد باقر رضوان الله عليه**

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد واله الطاهرين **حمد**

از برای خداوندی که سبیل گردانید از برای رفتار کردن بر دینی شرایع دین را و واضح گردانید
رنگه برای ما علما و معانی آنرا و بیان کرد از برای ما راههای حق را و کامل کرد خصیصه بانی سبب پروردگار
نیتمهای خود را و مخصوصی گردانید ما را بدوستی و مساعدت سید انبیا و دیگر کرامت اصفیاء
خود و برکت او ما را از گناهان که دال جرمیم بر ما بجشیده است و دنیا گردانیده است ما را بسبب
آنحضرت طریق بالارضی اسبوی در جات عالی و کرامی داشته است ما را بر برکت اهل بیت
بغیر خود که ساد است شرف و شفاعت روز محشرند و منور گردانیده است دلهای ما را با نور
هدایت ایشان و کنجش نشسته است سینههای ما را با سر ارجب ایشان صلوات خدا بر همه
و اهل بیت او با ابد الابدین و لغزندند بر دشمنان ایشان تا روز دین **اما بعد**
پس بگوید محتاج **بسم الله الرحمن الرحيم** بوی پروردگار عارف محمد باقرین محمد تقی که خداوند عالم نام
عملش برادر روز قیامت برکت راست ایشان و حساب را در آن روز بر ایشان
گشایش گرداند بدان بپرستند که سوال در مبر الوضی از آنها که خدای مبارک و کل هداست کرد
او را راه حق و در دل او گذشت خوف می در آن سیکه بیان کنم برای او آنچه را
که هرگز خدای تعالی هرگز آن از راه نجات دین زمانه که مشتبه شده راه باطل بر راه حق
و تا بگذرد بر این راه که آن و غالب شد شیطان بر او دنیا و جهنم خود را در دست برایش
راههای دهرهای ملکوت را در کاشته است شیطان تا بنی و کرده حق و از حق و انس بر او

۲۴۷

طی و فخره یعنی چنانکه طلاء و فخره از معدن بعل می آید انسان نیز از زمین عظیمی آید چنانکه حق تعالی ایشان را
 در کتاب عزیز فرموده است **وَاللّٰهُ اَبَدٌ كَمَنْزِلِ الْاَنْبِيَا۟ئِمْ نَبَا۟ئِهَا يَفْرَدُ الْاَنْبِيَا۟ئِمْ اِلٰهُنَّ مِنْ مَّا تَدْعُو۟نَ ۗ كَيْفَ هٰٓؤُلَاءِ
 رُو۟ى بِاٰن۟بِئِهِ نَزِی۟رٌ كَمَا تَف۟رَعَالِیٰ حٰ۟سِنَت۟ كَم۟ر۟ه۟ اِلٰ۟ه۟نَّ مِمَّن۟ كَفَر۟ت۟ اَس۟ت۟ وَرَوٰ۟حِ الْاٰی۟تِی۟نَ رَا۟ءِی۟نَ اَن۟ حٰ۟سِب۟و۟ا۟ اِل۟ه۟نَّ اَن۟ اَق۟رَب۟ه۟
 و آنرا چنانکه می خواندند که می آید صاحب مجلس سزاوارست بعد از آنکه هر یک از اینها را در هر یک از اینها
 مدح میکنند تا آنکه هر چند رزق را بدون حد و قیاس بکنند و نظری و لهامشده که دوست دارند کسی را که ایشان را
 بینی کرده است و دشمنی دارد نه کسی را که با ایشان بدی کرده است مال از آن تعلق کردن هرگز که نمیشود کسی خوش
 محتاج دانسته باشد یا وصیفته نه هر صفت را بر زمین دیگر نه هر صفت ثواب صفت با و نه هر صفت بدن و فراغ
 و فرصت و نعمتی اندر هیچ کس قدر ایشان را اغنیاء اند عفو کردن پا و شانه از تقصیر رعایا یا عفو بقضاء
 ملک و طول و پا و شای از مسکود و بیعت مردان برای نسی خود باعث نماید دینی عفت آن زمان بیکروز
 طاعتی نیست از برای مخلوق در وصیت خانی**

نعت با فخر حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اَسْمٰنُ لِّلّٰهِ رَبِّ الْعٰلَمِی۟نَ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰی خَی۟رِ خَلْقِہٖ مُحَمَّدٍ وَّآلِہٖ الطَّٰہِرِی۟نَ وَوَعَدَ اللّٰهُ عَلٰی اَع۟م۟دِہٖمُ
 اَل۟ی۟ یَوْمِ الْاٰتِی۟تِ اَمَّا بَع۟دُ فَبِی۟نَ کَی۟فَ یَس۟ب۟دُہٗ فَطَمِی۟حِی۟نَ کَا۟طِمِ۟نَ مُحَمَّدٍ شَی۟خِہٖمُ ہٰ۟زَر۟ جَر۟مِی۟ عِظ۟مِہٖمُ عَنِ جِب۟رِا۟ئِی۟لَہٗ
 کَمَا جَمِی۟عُ مَؤ۟مِنٰنَ دَجَبٌ بَل۟کَہٗ لَازِمٌ ہَس۟تَ کَمَا طَع۟تَ خَالِی۟ی۟ بِمَس۟حِہٖمُ خُو۟دِہٖمُ بَقَدَرِہٖمُ رَسِی۟عَ وَاط۟ق۟تَ خُو۟دِہٖمُ رَغ۟ضِہٖمُ
 وَخَس۟مَ اَوْ حَس۟ر۟ت۟ہُمُ اَمَّا بَع۟دُ اَمَّا اَو۟س۟تُ دَا۟ئِمَہٗمُ بَر۟ن۟دِہٖمُ وَدُش۟م۟ن۟انِہُمُ اَو۟ر۟ دُش۟م۟نِہُمُ دَا۟ئِمَہُمُ اَمَّا اِن۟ جَمِی۟عِہُمُ

صفحة اول نسخه خطی «منبہ المغرورین» کتابخانه ملی، ش: ۵/۳۲۱۴۹

مقدمه

علامه مجلسی از بزرگ‌ترین و معروف‌ترین علمای شیعه در اواخر عهد صفویه است که به سال ۱۰۳۷ قمری در اصفهان متولد شد و در سال ۱۱۱۱ قمری در زمان سلطنت شاه سلطان حسین صفوی وفات یافت و در کنار جامع عتیق اصفهان مدفون شد. وی در اواخر عهد شاه سلیمان و قسمت عمده‌ای از عهد شاه سلطان حسین دارای رتبه شیخ‌الاسلامی و امام جمعه و صاحب‌اختیار امور دینی کل کشور بود و نیز حائز ریاست علمی و سیاسی گردید (سیدحسن بنی‌طبا، مناهج‌الحق و النجاة یا سه گفتار اعتقادی، ص ۱۸) گرچه مجلسی علوم متداول عصر خویش را فراگرفته و در آن‌ها متبحر بود اما بیشترین عمر گران‌مایه خویش را در جمع‌آوری و شرح و تفسیر احادیث و ادعیه و زیارات صرف کرد به گونه‌ای که حتی برخی از کتاب‌هایی که در علوم غیرحدیثی مانند تاریخ و اخلاق و اعتقادات نگاشت، رنگ‌وبوی حدیثی داشته‌اند.

از آنجاکه علامه مجلسی در زمان پادشاهان صفویه می‌زیسته و شیخ‌الاسلام ایران بوده، قطعاً بر پادشاهان زمان خویش تأثیرگذار بوده؛ به‌ویژه آنکه صفویان متمایل و دوست‌دار تشیع و عالمان آن‌ها بوده‌اند.

با توجه به توان علمی بالای علامه مجلسی به‌خصوص در علوم مربوط به حدیث و نگارش موسوعه عظیم «بحارالانوار» که یکی از کتب اربعه متأخر است، مجلسی بر بسیاری از دانشمندان پس از خود تأثیر گذاشته است. اثرگذاری وی در دو حوزه شاگردان مستقیم (بی‌واسطه) و شاگردان غیرمستقیم (باواسطه) است. لازم است تحقیقات و پژوهش‌هایی درباره تأثیرگذاری علامه مجلسی بر دانشمندان صورت گیرد و با مراجعه به آثار دانشمندان، ابعاد و کمیت و کیفیت تأثیرگذاری روشن شود. مجلسی متوفای ۱۱۱۱ قمری و هزارجریبی متوفای ۱۲۳۶ قمری بوده است، بنابراین هزارجریبی قطعاً از شاگردان غیرمستقیم علامه مجلسی است که از طریق تحصیل در نزد شاگردان مستقیم و مطالعه آثار علامه مجلسی از وی تأثیر پذیرفته است. در یک نگاه کلی مجلسی در دو حوزه بر هزارجریبی اثر گذاشته است: الف) حدیث و مسائل مربوط به آن ب) نقد برخی از جریان‌ها و نحله‌های فلسفی، عرفانی، و تصوف. در این مقاله برخی از ابعاد تأثیر مجلسی بر هزارجریبی تبیین و بررسی می‌شود و شواهدی از آثار و

نوشته‌های هزارجریبی ارائه می‌شود. روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای است و از کتاب‌های چاپ‌شده هزارجریبی و همچنین نسخه‌های خطی برجای مانده از ایشان استفاده شده است.

۱. روش علامه مجلسی در حوزه حدیث‌نگاری تبیین و تحلیل

علامه مجلسی به جهت بهره‌مندی از جامعیت و توان علمی بالا و تسلط ویژه بر علوم معقول و منقول، در شرح روایات از القاء نگرشی تک‌بعدی به روایات پرهیز نموده و از رویکردهای مختلف کلامی، اخباری، و عقلانی بهره برده است.

مبانی اعتبارسنجی روایات نزد علامه مجلسی عبارت‌اند از:

الف) تحفظ بر متن احادیث و پرهیز از تأویل مگر به ضرورت ب) رعایت قاعده تسامح در ادله سنن با محدود نمودن آن پ) توجه به قرائن کتاب‌محوری در ارزیابی احادیث ت) اولویت متن‌محوری بر سند‌محوری (محسن قاسم‌پور و ابوطالب مختاری هاشم‌آباد، مبانی اعتبارسنجی روایات بحارالانوار نزد علامه مجلسی، ص ۱۴۵-۱۵۹)

آیات قرآن «قطعی‌الصدور» و «ظنی‌الدلاله» هستند. یعنی هیچ شک و شبهه‌ای در ارتباط با منسوب بودن آیات قرآن کنونی بر وحی نیست و مورد اجماع تمامی مسلمانان است (قطعی‌الصدور) اما برداشت، ترجمه، و تفسیری که از قرآن می‌شود، ممکن است صحیح باشد و خداوند متعال هم همان را اراده کرده باشد و امکان هم دارد خلاف واقع باشد (ظنی‌الدلاله). روایات معصومین علیهم‌السلام برخلاف آیات قرآن، «ظنی‌الصدور» و «ظنی‌الدلاله» هستند. گذشته از معنایی که از روایات برداشت می‌شود، ممکن است نادرست باشد، در صدور روایات از معصومین علیهم‌السلام هیچ قطع و یقینی نیست. پس به هر روایتی نمی‌توان استدلال کرد بلکه روایاتی معتبر است که با احراز شرایطی، موثق باشند (علی قنبریان، تبیین تحلیل و نقد اندیشه‌ها و نظریات محمدکاظم هزارجریبی استرآبادی براساس نسخه‌های خطی برجای مانده، ص ۹۵).

پس درباره روایت دو بحث اساس وجود دارد: الف) بحث سندی ب) بحث دلالتی.

بحث سندی:

درباره بحث سندی، احادیث موضوعه و چگونگی کشف و تشخیص آن‌ها مطرح است.

ملاک‌های علامه مجلسی در تشخیص احادیث موضوعه و چگونگی مواجهه ایشان با آنها عبارت است از: الف) تعارض با قرآن، سنت، و عقل ب) تعارض با قرآن، سنت، و تاریخ پ) تکذیب روایت توسط معصوم علیه السلام ت) عرضه بر روایات متواتر ث) تشویش در متن و اتهام به غلو ج) توجه به شرایط تقیه در عدم انکار حدیث موضوع چ) روابط سیاسی افراد و موضوع بودن حدیث ح) احادیث فضایل مختص به ابوبکر (مریم‌السادات زبرجد و نهله غروی نائینی، ملاک‌های نقدالحدیثی علامه مجلسی در تنقیح احادیث موضوعه در بحارالانوار، ص ۱۱۹-۱۳۰).

بحث دلالتی:

در بحث دلالتی، راهکارهایی برای فهم معانی حدیث به کار برده می‌شود؛ چراکه آنچه که در معنای حدیث مهم و ارزشمند است، تشخیص مراد معصوم است. مبانی فهم حدیث از نگاه علامه مجلسی عبارت‌اند از: الف) عرفی بودن زبان احادیث ب) وقوع صناعات ادبی در کلام معصوم علیه السلام (صنعت مجاز و صنعت کنایه پ) حجیت دلالت سیاق در فهم مراد معصوم علیه السلام ت) هماهنگی و سازواری درونی روایات معصومان علیهم السلام ث) علم و عصمت انبیا و ائمه اطهار علیهم السلام ج) حجیت سنت معصومان علیهم السلام چ) حجیت عقل در اثبات اصول دین ح) رعایت تقیه در کلام معصوم علیه السلام خ) رعایت سطوح مخاطبان در کلام معصوم علیه السلام د) لزوم رعایت احتیاط در تأویل مشابهاًت و معضلات احادیث (علی حسن بیگ و فاطمه دسترنج و زهرا احمدی، رهیافتی بر مبانی فهم حدیث علامه محمدباقر مجلسی در "مرآةالعقول" مطالعه موردی بخش اصول کافی"، ص ۱۳۰-۱۴۳).

آثار علامه محمدکاظم هزارجریبی همانند علامه مجلسی، در ارتباط با احادیث و روایات بوده و رنگ و بوی حدیثی داشته است. ایشان زمان مجلسی را درک نکرده و مانند بسیاری از دانشمندان دیگر، شاگرد غیرمستقیم مجلسی بوده است. در مواضع متعددی از کتاب‌های خویش از علامه مجلسی نامبرده است و از خوانندگان متمم و فرهیخته آثار مجلسی است. هزارجریبی در هر دو حوزه از حوزه‌های حدیث پژوهی (سندی و دلالتی) متأثر از علامه مجلسی بوده است. گرچه به‌صراحت به آراء مجلسی اشاره نکرده است ولی روح حدیث پژوهی علامه مجلسی در آثار هزارجریبی نمود دارد.

۲. استناد به قول مجلسی در پذیرش یا عدم پذیرش روایات

در مورد برخی روایات که حاوی مضامین خاصی بوده که ممکن است در کتاب‌های مشهور و معتبر روایی هم نقل نشده باشد، عموماً شاهدیم که مضمون آنها مورد اختلاف علما و محدثان شیعه بوده است. برخی آن مضامین را می‌پذیرند و برخی دیگر آن را نادرست می‌انگارند. در پاره‌ای از اوقات هم شاهدیم که اگر این مطالب به سطح عمومی جامعه عرضه شود، سؤالات و ابهاماتی را در پی داشته و به‌ناچار برای حل این مسائل به سراغ دانشمندان و متخصصان این مباحث رفته و سؤالات خود را مطرح می‌کنند.

در این گونه موارد در آثار مرحوم هزارجریبی شاهدیم که علاوه بر آنکه خود در برخی موارد به بررسی و نقد اعتبار این اخبار می‌پردازد، به اقوال بزرگان محدث شیعه هم نظر دارد که از مهم‌ترین این افراد مرحوم علامه مجلسی بوده است تا حدی که دیدگاه علامه مجلسی را درباره اعتبار یا عدم اعتبار این گونه اخبار ذکر نموده و می‌پذیرد:

آنچه مشهور است میان مردم از مضمون خبری که در جامع الاخبار مذکور است که حضرت موسی علیه السلام کیفیت خلق دنیا و بدو آن را از حضرت حق تعالی سؤال نمود، محلّ اعتماد نیست و مستبعد است و به این سبب آخوند [مقصود آخوند ملا محمدباقر مجلسی رحمته الله است] رحمة الله و غیر از او از محدثین، قبول نکردند. (محمدکاظم هزارجریبی، نسخه خطی کنزالفوائد، قم، کتابخانه طوسی (امام رضا علیه السلام))، شماره نسخه: ۳۶۶/۱).

یا در باب روایتی که به فضایل و معجزات اهل بیت علیهم السلام با مضمونی غریب می‌پردازد از مرحوم مجلسی چنین نقل می‌کند:

و آخوند ملا محمدباقر رحمته الله بعد از ذکر این خبر گفته است که این خبر غریب است و از کتب معتبره که نزد من است در آن‌ها ندیدم و این حدیث را رد نمی‌کنم و علم این را رد می‌کنم به سوی ائمه علیهم السلام (محمدکاظم هزارجریبی، نسخه خطی معارف الائمه، قم، کتابخانه مرعشی نجفی، شماره نسخه: ۴۷۹۸)

۳. اکتفا به نقل مرحوم مجلسی

مرحوم هزارجریبی در منابع روایی مطالعات مستمر داشته و بنابر نقل برخی بزرگان، وی از کسانی بوده که در احیا و استتساخ آثار علمای سلف در دوره خود همت گماشته [این فرضیه مبتنی بر متن تقریظ استاد معظم، حضرت آیت الله اراکی، بر چند رساله غلوستیز مرحوم هزارجریبی است] و ظاهراً از کتابخانه مجهزی برخوردار بوده است. از سوی دیگر بررسی آثار هزارجریبی به ما نشان می‌دهد که وی احادیث را با مراجعه به منابع متقدم و دست اول در آثارش نقل کرده است اما در برخی موارد می‌بینیم از این روش عدول کرده و روایات را از آثار مرحوم مجلسی که بیش از چند قرن بعد از آثار دست اول تألیف شده‌اند نقل کرده است. البته مرحوم هزارجریبی به زحمات مرحوم مجلسی در جمع و گردآوری منابع حدیثی تصریح دارد؛ چنان‌که درباره کتاب «مدینه العلم» صدوق رحمته الله می‌نویسد:

بحمدالله جمع شد نزد ما سوای کتاب اربعه مقدار دوپست کتاب و همه آنها را جمع کرده و تفسیر نموده در کتاب "بحارالانوار". پس بر توباد به نظر کردن در آن و داخل شدن در آن و طلب کردن فایده از آن. به درستی که آن دریای علوم است چنان‌که به اسم دریا نامیده شد. (محمدکاظم هزارجریبی، نسخه خطی منبّه المغرورین، تهران، کتابخانه ملی، شماره نسخه: ۳۲۱۴۹-۵)

علت آنکه هزارجریبی به نقل مرحوم مجلسی اکتفا می‌کند، محتمل است یکی از موارد ذیل باشد:

۱,۳. تتبع و تحقیق جامع علامه مجلسی

مرحوم مجلسی رحمته الله با توجه به داشتن گروه محقق و متبعی از شاگردان زبده و متعدد و نیز دسترسی به کتب فراوانی از منابع روایی شیعه توانسته است در موضوعات مختلف روایات مربوط بدان موضوع را جمع‌آوری نموده و دیگران را از انجام این کار بی‌نیاز کند؛ به‌طور مثال مرحوم هزارجریبی در موضوع روایات و اخبار غیبی از شهادت امام حسین علیه السلام می‌نویسد:

در بیان خبر دادن خدا و رسول خدا و پیغمبران گذشته صلوات الله علیهم به شهادت آن حضرت و خبر دادن خود به آن، چون در این ابواب کسی مانند آخوند ملا

محمدباقر مرحوم، جمع احادیث معتبر نمود لهذا اکتفا به ترجمه او می‌نمایم.
(محمدکاظم هزارجریبی، نسخه خطی اثبات الخلافة، قم، کتابخانه مرعشی نجفی، شماره
نسخه: ۷۱۹۹)

یا در مورد شخصیت جناب سلمان گفته است:

آن جماعتی که در اخبار وارد شده است و خوب دوستی ایشان، مانند سلمان و ابوذر و مقداد و عمار چنان که اخبار بسیار وارد شده است در مدح این چهار نفر حتی آنکه آخوند ملا محمدباقر مجلسی رحمته الله گفته است که نزدیک به هزار حدیث در مدح سلمان رحمته الله وارد شده است. (محمدکاظم هزارجریبی، پنج رساله از محمدکاظم هزارجریبی: محک النبیین فی شأن امیرالمؤمنین علیه السلام، سلمانیه، محک الایمان، رافعة التوهم، ناشناخته، ص ۷۱).

۲,۳. فقدان منبع

منابع روایی گاهی اوقات و به مرور زمان مفقود شده و در اختیار نسل‌های بعد قرار نگرفتند. برای همین در پاره‌ای از موارد بخشی از روایات در نهایت، مضمونشان در کتاب‌ها موجود بوده اما متن روایات در دسترس نیست؛ به عنوان مثال مرحوم هزارجریبی در باب زیارت اعتبار مقدسه می‌نویسد:

و بعضی از علما گفتند که این و غیر این حدیث که مانند این حدیث باشد در تعریف کربلا و نجف، ابن بابویه رحمته الله آن اخبار را در کتابی نقل کرده است که نام آن کتاب مدینه العلم است و آن کتاب در بزرگی زیاد بر دو مقابل من لایحضره الفقیه است و علامه رحمة الله آن کتاب را دیده است و آخوند ملا محمدباقر مجلسی رحمته الله آن را به دست نیاورده است. (محمدکاظم هزارجریبی، مجموعه آثار محمدکاظم هزارجریبی "تحفة الاخیار، افضلیت ائمه، تحفة المجاور، حدیث عنوان بصری، گنج الشفاء و رافع الداء، رساله از وضو و نماز"، ص ۱۰۴-۱۰۵)

همین مسئله موجب می‌شده در برخی موارد، مرحوم هزارجریبی مطلبی را از مرحوم مجلسی نقل کند که منبع نقل وی در دسترس مرحوم هزارجریبی نبوده و نمی‌توانسته مستقیم و بدون واسطه از آن نقل کند. در باب زیارت ائمه معصومین علیهم السلام می‌گوید:

آخوند ملا محمدباقر مجلسی رحمته الله در بحار (محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۱۳۷) گفته است که من به خط شیخ حسن بن عبدالصمد رحمته الله یافتم که گفت: شیخ ابوطیب حسین بن احمد فقیه گفته است که هر که زیارت کند حضرت امام رضا علیه السلام را یا یکی دیگر از ائمه علیهم السلام را و نزد مرقد آن امام به جا آورد نماز جعفر طیار رحمته الله را، نوشته شود از برای او ثواب کسی که هزار حج کرده باشد و هزار عمره کرده باشد و هزار بنده آزاد کرده باشد و هزار جهاد فی سبیل الله با پیغمبر مُرسَل کرده باشد و از برای او به آن زیارت رفتن، هر قدمی صد حج و صد عمره و صد بنده آزاد کردن باشد و برای هر گامی صد حسنه نوشته شود و صد گناه از او محو گردد (محمدکاظم هزارجریبی، مجموعه آثار محمدکاظم هزارجریبی "تحفة الاخیار، فضلیت ائمه، تحفة المجاور، حدیث عنوان بصری، گنج الشفاء و رافع الداء، رساله از وضو و نماز"، ص ۱۱۷).

۴. پذیرفتن نظر مجلسی در جمع اخبار

در مورد برخی از روایات که گاهی اوقات به نوعی اختلاف محتوا و مضمون دارند و متعارض می نمایند، یکی از روش های رفع اختلاف و تعارض این است که در مقام حل اختلاف و جمع بین آنها توجیه منطقی و مبتنی بر تعالیم دینی ارائه شود؛ البته در این راه حل های ارائه شده از سوی علما اختلاف نظرهایی دیده می شود. برای نمونه می توان به اختلاف موجود بر اینکه در زیارت از راه دور اول نماز زیارت را بخوانند یا ابتدا زیارت را بجا آورند، در چنین موردی هزارجریبی دیدگاه مرحوم مجلسی را پذیرفته و چنین می گوید:

در ذکری گفته است که ابن زهره رحمته الله گفته است که هر که از دور، احدی از معصومین علیهم السلام را زیارت کند، اول نماز زیارت کند بعد زیارت را بجا آورد. و مولانا آخوند ملا محمدباقر مجلسی رحمته الله گفته است تقدیم و تأخیر هر دو جایز است زیرا که به هر دو روایت وارد شده است. « (محمدکاظم هزارجریبی، مجموعه آثار محمدکاظم هزارجریبی "تحفة الاخیار، فضلیت ائمه، تحفة المجاور، حدیث عنوان بصری، گنج الشفاء و رافع الداء، رساله از وضو و نماز"، ص ۱۱۷).

۵. شهادت مجلسی در مورد برخی آراء کلامی

مرحوم هزارجریبی همان‌طور که از عناوین برخی از کتاب‌هایش مانند «الزام الملحدین» و «منبّه الجهال» و «منبّه المغرورین» و نیز به‌صورت پراکنده در دیگر آثارش نشان داده، با اهل فلسفه و عرفان و صوفیه هیچ‌گونه مسامحه نداشته بلکه به‌شدت علیه آنها به فعالیت می‌پرداخته است. در بین ادله‌ای که وی بر بی‌ایمانی برخی از چهره‌های مشهور ارائه کرده، به اقوال بزرگان شیعه استناد کرده که یکی از ایشان مرحوم مجلسی می‌باشد:

برهان سیم: آنست باید دانست که شهادت عدلین قائم مقام علم است و کفر و فسق مردم به آن ثابت می‌شود چنان‌که دأب علماء رجال چنین است؛ پیوسته به گواهی دو کس حکم می‌کردند فلان راوی کافر و فاسدالعقیده است یا فاسق است یا فطحی [فطحیه گروهی از شیعیان بودند که یکی از فرزندان امام جعفر صادق علیه السلام، یعنی عبدالله افطح را که پس از مرگ اسماعیل بن جعفر، فرزند ارشد امام به حساب می‌آمد، به‌عنوان امام پذیرفتند] است یا زیدی است و امثال این. پس اگر به گواهی مثل ملا احمد اردبیلی و ملا محمدباقر مجلسی و سایر اکابر که اسامی ایشان ذکر شده است، کفر کسی ثابت نگردد دیگر به گواهی هیچ‌کس هیچ امری ثابت نمی‌شود. (محمدکاظم هزارجریبی، نسخه خطی کنزالفوائد، قم، کتابخانه فیضیه، شماره نسخه: ۱۰۰۶).

از سوی دیگر مرحوم هزارجریبی در موضوعات مختلفی که نیاز به نقل برخی کرامات و شهودات معتبر و متقن دارد نیز به نقل این بزرگان اعتماد داشته و حکایاتی را نقل می‌کند. به‌طور مثال در باب بیان ذکر کسانی که آن حضرت را در غیبت کبری دیدند و شناختند چند حکایتی را که علامه مجلسی نقل نمودند ذکر می‌کند:

و مولای ما آخوند ملا محمدباقر در "بحار" گفته است جماعتی به من خبر دادند از سید فاضل میرعلام که گفته است در بعضی از شب‌ها در صحن روضه حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام بودم که بسیاری از شب رفته بود و من در میان صحن راه می‌رفتم. ناگاه مردی را دیدم که به‌جانب روضه مقدسه می‌رود و من قدری نزدیک رفتم که ببینم کیست. دیدم که استاد ما است فاضل عالم متقی مولای ما احمد اردبیلی علیه السلام

پس من خود را از او مخفی کردم تا آنکه نزدیک در حرم آمد و در بسته بود و چون او به نزدیک در رسید در گشوده شد و او داخل روضه شد و شنیدم که با کسی سخن می‌گفت. آن‌گاه بیرون آمد و در بسته شد و من از پشت سر او بیرون رفتم و او از نجف بیرون رفت و متوجه مسجد کوفه گردید و من در همه‌جا از عقب سر او می‌رفتم و او مرا نمی‌دید تا آنکه داخل مسجد شد و به سوی محراب رفت که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در آن محراب شهید شد و مدتی در آنجا مکث نمود. پس برگشت و از مسجد بیرون رفت و به جانب نجف روان گردید و من در عقب او بودم تا آنکه نزدیک مسجد حنانه مرا سرفه گرفت به نحوی که نتوانستم که آن را از خود دفع کنم و چون سرفه مرا شنید به سوی من التفات نمود. مرا شناخت و گفت تو میرعلامی؟ گفتم بلی. گفت در اینجا چه می‌کنی؟ گفتم با تو بودم در وقتی که داخل روضه مقدسه شدی تا حال و تو را قسم می‌دهم به حق صاحب قبر که مرا به آنچه در این شب بر تو جاری شده است از اول تا آخر خبر دهی؟ گفت تو را خبر می‌دهم به شرطی که در مادام حیات من به احدی خبر ندهی و چون از من عهد گرفت، گفت من در بعضی از مسائل فکر می‌کردم و آن مسئله بر من مشکل شده است. پس در دل من افتاد که نزد حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام بروم و آن مسئله را از او سؤال کنم و چون به نزد در رسیدم در به غیر کلید گشوده شد چنان‌که دیدی. پس داخل روضه شدم و از حق تعالی سؤال کردم که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام مرا جواب گوید. پس از قبر صدایی ظاهر شد که به مسجد کوفه برو و از حضرت قائم علیه السلام در آنجا سؤال کن به درستی که او امام زمان تو است. پس نزد محراب رفتم و از او سؤال کردم مرا جواب گفت اکنون برگشتم و به خانه خود می‌روم. (محمدکاظم هزارجریبی، نسخه خطی ابواب احوال صاحب الزمان، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، نسخه شماره 223 G.T).

۶. دفاع از مجلسی

مرحوم هزارجریبی ارادت قلبی خویش را به مرحوم مجلسی در برخی آثارش به وضوح نشان داده نظیر آنجایی که در دفاع از وی در مقابل خوابی که بدو نسبت داده شده [«و مثل اینست

آنچه می‌گویند که آخوند محمدباقر مرحوم به خواب مردی آمد و گفت که جمیع کارهایی که عرض کردم به من هیچ نبخشیده است مگر یک دانه سیب که به طفل یهودی داده‌ام.» محمدکاظم هزارجریبی، نسخه خطی کنزالفوائد، قم، کتابخانه فیضیه، شماره نسخه: ۱۰۰۶] ابتدا پاسخ‌های متعددی می‌دهد و می‌نگارد:

اول آنکه جلالت آخوند از آن بیشتر است که مانند مزخرفات باعث بدگمانی مؤمنان گردد نسبت به چنین بزرگوار. دویم آنکه آخوند در عصر خود آیه‌ای از آیات خدا بود که حق تعالی او را برای هدایت خلق خود برگزیده بود مانند علامه در عصر خود و تشیع جمیع عجم به حرمت قبر علامه است و بقای دین و صحت اعتقاد ایشان به برکت قبر آخوند ملاً محمدباقر رحمه الله است. سیم آنکه چگونه این نقل صحیح است و حال آنکه نص قرآن مجید است که هر که یک کس را هدایت کند چنین است که گویا همه خلق را هدایت کرده است و کسی می‌تواند دعوی کند که منفعت کتابی از کتاب‌های آخوند مرحوم بیشتر است از منفعت پیغمبری از پیغمبران سابق زیرا که حضرت لوط در سال‌های بسیار اهل چند شهر را دعوت می‌کرد و قوم او به او ایمان نیاوردند و محله‌ای از محلات شام به برکت حق‌الیقین آخوند همه شیعه شدند بعد از آنکه آن کتاب را به دست آوردند و ادله‌ای که از کتاب‌های ایشان بیرون آوردند، در آن‌ها فکر کردند باعث هدایت ایشان گردیده است. چهارم آنکه این سخن مخالف حس و ادراک جمیع عقلا است زیرا که ما می‌بینیم که هر که از شیعیان اعتقاد حقی دارد به برکت عین‌الحیوة اوست و همچنین جلاء‌العیون آن مرحوم است و اگر اعتقاد صحیحی از آثار و طریقه پیغمبران مطلع باشد به برکت حیاةالقلوب آن مرحوم است و اگر زیارت ائمه مشرف گردد به برکت تحفة‌الزائر اوست و اعمال معتبره سال در زادالمعاد اوست و تعقیبات معتبره در مقیاس‌المصایح اوست و اعمال هفته در ربیع‌الاسابیح اوست و آداب و سنت‌ها در حلیة‌المتقین او هست و اما بحارالانوار پس فواید بسیاری از علوم بلکه کل آن و اکثر اخبار وارده از اهل بیت رسالت علیهم‌السلام و جوامع کمال در آن هست و آن بیست و پنج مجلد و بعضی از آن مجلدها چندین مجلد است. (محمدکاظم هزارجریبی، نسخه خطی کنزالفوائد، قم، کتابخانه فیضیه، شماره نسخه: ۱۰۰۶)

سپس به ذکر چند حکایت در باب ولادت و وفات وی و توجه حضرات معصومین علیهم‌السلام

نسبت به خدمات و مقام علمی آن مرحوم می‌پردازد و در نهایت چنین خواب‌هایی را ساخته و پرداخته مخالفان او می‌داند:

«پس بدانکه چنان‌که خواب علامه را اخباری افترا کرده است، خواب آخوند را صوفی افترا کرده.» (محمدکاظم هزارجریبی، نسخه خطی کنزالفوائد، قم، کتابخانه فیضیه، شماره نسخه: ۱۰۰۶)

۷. سفارش به مطالعه آثار علامه مجلسی

مرحوم هزارجریبی معتقد است انسان باید بخشی از وقت روزانه‌اش را به کسب علم بپردازد تا بتواند به مقدمات کسب معارف موجود در احادیث دست یابد؛ لذا چنین توصیه می‌کند:

... آدمی را که روز خود را سه قسمت کند. پس در بعضی از روز طلب روزی حلال کند و در بعضی از آن طلب علم کند و در بعضی از آن مشغول فرایض و سنن و نوافل گردد و سزاوار است که تحصیل کند از علوم آلیه و ادب را از جهت آنکه علم حدیث به آن علوم احتیاج دارد مانند علم صرف و نحو و قلیل از منطق و قلیل از علوم اصول‌فقه و بعضی از کتب فقهیه را.

همان‌گونه که در عبارت مرحوم هزارجریبی دیده می‌شود توجه زیادی به حدیث داشته و در این بین آثار مرحوم مجلسی به‌ویژه کتاب گران‌سنگ «بحارالانوار» را بیشتر مد نظر داشته و خود نیز به مطالعه آن اهتمام داشته است.

پس بعد از آن بذل جهد کند در علم حدیث و مطالعه کند کتب اربعه را که آن «کافی» و «تهذیب» و «استبصار» و «من لایحضره الفقیه» است و مطالعه کند غیراین‌ها را از تصانیف صدوق و غیر او از کتب حدیث و بحمدالله جمع شد نزد ما سوای [سوی: به جز] کتب اربعه، مقدار دوست کتاب و همه آن‌ها را جمع کرده و تفسیر نموده در کتاب بحارالانوار. پس بر تو باد به نظر کردن در آن و داخل شدن در آن و طلب کردن فایده از آن. به‌درستی که آن دریای علوم است چنان‌که به اسم دریا نامیده شد. (محمدکاظم هزارجریبی، سنجش و نقد فلسفه و عرفان: تصحیح رساله منبّه‌المغروبین، ۱۴۱)

دلیل این توصیه و سفارش هم این بوده که وی معتقد است محتوای علمی کتاب‌های

مرحوم مجلسی متنوع بوده و بخش زیادی از اعتقادات و معارف جامعه شیعه را در آن روزگار شکل می‌داده است.

۸. توجه به مشی عملی علامه مجلسی

از آنجا که مرحوم هزارجریبی شخصیتی حدیث‌گرا و در زمان خود از محدثان مشهور [در این باره مطلب مستقلی باید به نگارش درآید.] بوده است، اهتمام زیادی به حفظ و نشر میراث اهل بیت نشان می‌داده است و این خصوصیت را هم متأثر از سفارشات مرحوم مجلسی می‌باشد:

پس در این زمان غیبت هیچ عمل خیری مانند احیای احادیث و پهن کردن آن نیست؛ چنان‌که مشهور است که دو خواجه از خواجه‌سرایان شاه سلطان حسین مرحوم، نزد مولانا آخوند ملاً محمدباقر مجلسی رحمته‌الله رفتند و عرض کردند که از برای ما مکتبی هست و می‌خواهیم که عمل خیری بکنیم که نفع آن برای ما استمرار داشته باشد و از همه اعمال نیک بهتر باشد و آن مرحوم به ایشان فرمود که حمام یا دگانی بخرید و آن را وقف کنید که منفعت آن را همیشه بدهند و خرج کتابت حدیث نمایند و این کار از همه اعمال بهتر است. و ایشان حمامی خریدند و وقف کردند که منافع آن را که الحال زیاده بر صد سال است، صرف نوشتن حدیث می‌نمایند. (محمدکاظم هزارجریبی، در مکتب اسلام: تصحیح رساله فواید لطیفه، ص ۱۰۰-۱۰۱)

۹. الگوگیری از مجلسی در ساده‌نویسی و فارسی‌نویسی

از محققانی که در ارتباط با هزارجریبی و مکتوباتش تحقیق کرده‌اند، جو یا جهان‌بخش است. وی درباره توجه هزارجریبی به عوام و ارتقاء معرفت دینی آن‌ها و سرمشق قراردادن مجلسی در آثارش، گوید:

هزارجریبی بیشترین آثار خود را به قصد انتفاع عموم به قلم آورده و به نوعی در پی همگانی کردن معارف دینی، به‌ویژه آگاهی‌های ضرور عقیدتی، بوده است و اغلب کوشیده تا از راه ترجمه و تحریر ساده و همه‌فهم اخبار و احادیث مربوط به موضوع بحثش، اطلاعات بایسته توده‌های شیعی را در اختیار ایشان بنهد. می‌توان گفت

که او فارسی‌نویسی‌های محمدباقر مجلسی را در این زمینه سرمشق خویش قرار داده و البته قالبهایی کوچک‌تر و مسائلی جزئی‌تر را برای نگرش و نگارش برگزیده است. وی در مکتوبات خود بارها از مجلسی و آثارش با تحسین و تبجیل [تبجیل: مص... گرامی داشتن، بزرگ شمردن، احترام کردن. حسن عمید، فرهنگ فارسی عمید، ج ۱، ص ۵۳۴] یاد کرده و توجه خویش را به فایده‌بخشی عمومی آثار فارسی مجلسی نشان داده است. تصفح آثار هزارجریبی مانند کنزالفوائد به روشنی نشان می‌دهد که وی در باب تصحیح عقاید عوام و تحذیر از پنداره‌های بی‌بنیاد و اباطیل و اوهام بسیار اهتمام داشته است و کوشیده تا باورها و اخبار مجعول و موهوم را - بر حسب تشخیص خود - به نقد کشد. (جویا جهان‌بخش، ملا محمدکاظم هزارجریبی و دو رساله غلوستیازانه اش "مزدک‌نامه ۵: یادبود پنجمین سالگرد درگذشت مهندس مزدک کیان‌فر"، ص ۵۵)

هزارجریبی آن قدر شیفته آثار علامه مجلسی بود که حتی فهرست کتب خویش را به شیوه فهرست کتب علامه مجلسی تنظیم کرد. ساختار فهرست هزارجریبی همانند ساختار فهرست مصنفات علامه مجلسی به قلم میرمحمدحسین خاتون‌آبادی است. (علی‌اکبر صفری، فهرست خودنوشت ملا محمدکاظم هزارجریبی "جشن‌نامه آیت‌الله رضا استادی"، ص ۹۰۷-۹۱۹)

اطلاعات نسخه‌شناسی فهرست کتب هزارجریبی:

نسخه خطی «فهرست کتب» در شهر قم کتابخانه طبسی (امام رضا علیه السلام): به شماره ۶۰۰/۱۵ که سال تحریر آن ۱۲۳۵ قمری است.

۱۰. اعتباردهی به روایات

مرحوم هزارجریبی برخی مواقع نام راوی معتبر و ثقه‌ای که از امام علیه السلام حدیث را بدون واسطه شنیده مانند زراره و عبداللّه بن سنان یا کتاب و منبع اصلی که روایت را از آن آورده یا نام نویسنده کتاب را می‌برد، تا در قبال آبروی راوی، کتاب مادر، و نویسنده اش، روایت آبروداری شود.

نمونه اول:

آخوند ملا محمدباقر مجلسی در رساله «ترجمة الصلوة» گفته است و در حدیث معتبر از

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که مردی به نزد حضرت رسول صلی الله علیه و آله آمد و گفت یا رسول الله به تو شکایت می‌کنم از آنچه به من می‌رسد از وسوسه‌های شیطان در نماز خود تا آنکه نمی‌دانم چه مقدار نماز کرده‌ام از کمی و زیادتی. حضرت صلی الله علیه و آله فرمود که چون خواهی داخل نماز شوی انگشت شهادت دست راست را بر ران چپ بگذار و زور کن و بگو «بسم الله و بالله توکلت علی الله اعوذ بالله السميع العليم من الشيطان الرجيم» چون چنین کنی شیطان را از خود دور می‌کنی (علی قنبریان، تبیین تحلیل و نقد اندیشه‌ها و نظریات محمداکظم هزارجریبی استرآبادی براساس نسخه‌های خطی برجای مانده، ص ۲۳۲).

نمونه دوم:

- «کلینی رضوان الله علیه به سند معتبر از ابوبصیر روایت کرد که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که اصول کفر یعنی ریشه آن سه چیز است: حرص و استکبار و حسد.» (محمداکظم هزارجریبی، فواید و برکات اسلام و ایمان: تصحیح رساله دعائم الاسلام، ص ۵۶)

- «و این حدیث را مولای ما، آخوند ملاً محمداقصر مجلسی رضوان الله علیه [در بحار در باب غلو و غیر او از علمای اخیر نیز روایت کرده‌اند به همین نحو.] (نسخه خطی کاشف الغلو و هادی أهل الغلو، قم، کتابخانه طبسی (امام رضا علیه السلام))، شماره بازیابی: ۶۰/۱۳»

در نمونه اول هزارجریبی قبل از بیان روایت، نام «کلینی» نویسنده کتاب معروف «اصول کافی» و نام «ابوبصیر» صحابی ثقه و مشهور را برده است و در نمونه دوم برای اعتباردهی به روایت، منبع معتبر «بحار الانوار» و نویسنده مشهورش، «محمداقصر مجلسی» را ذکر کرده است.

۱۱. تأثیرپذیری از مجلسی در رد و مذمت فلاسفه و متصوفه و عرفا

هزارجریبی بی‌شک از دانشمندان گذشته تأثیرپذیر بوده و بر دانشمندان متأخر از خویش تأثیر گذارده است. بیشترین تأثیرپذیری را از استادش علامه وحید بهبهانی و همچنین علامه محمداقصر مجلسی داشته است. شاید بتوان گفت، روحیه فلسفه و عرفان‌ستیزی را از مجلسی کسب کرده است؛ به‌ویژه آنکه رساله «اعتقادات» علامه مجلسی را هم به فارسی برگردان کرده است. در رساله فوق عرفان و فلسفه نقد شده است. هزارجریبی نیز بر طبق عقاید و نظریات

خویش برخی از گفته‌ها و آراء فلاسفه و عرفای مسلمانان را مضرّ به دین دانسته و از آن‌ها پاسخ داده است. هزارجریبی علاوه بر تألیف، مترجمی چیره‌دست نیز بوده است و «اعتقادات» مجلسی و «حدیث عنوان بصری» اولین بار به دست وی ترجمه شد و ایشان گوی سبقت را از مترجمان دیگر ربودند.

همچنین همراهی نکردن با اخباری‌گری بلکه نقد غیرمستقیم آن‌ها از ثمرات شاگردی وحید بهبهانی است. شاید اگر هزارجریبی از درس وحید بهبهانی استفاده نکرده بود، یکی از دانشمندان اخباری می‌شد. زیرا با رجوع به آثار هزارجریبی می‌توان به آسانی دریافت که هزارجریبی سرسپرده و دل‌باخته احادیث معصومین علیهم السلام است.

مجلسی در رساله «اعتقادات» خویش فلسفه و عرفان را نقد کرده است. این رساله اولین بار به دست محمدکاظم هزارجریبی ترجمه شده است؛ کما اینکه حدیث «عنوان بصری» و رساله «مناظره بحرالعلوم با یهودیان ذوالکفل» نیز نخستین بار به دست هزارجریبی ترجمه شده است. تک‌نسخه خطی این رساله در کتابخانه ملی ایران به شماره بازایی ۳۲۱۴۹-۵ نگه‌داری می‌شود و با برخی رسائل دیگر هزارجریبی (منبّه الجهال، رساله تاریخیه، جدلیه، جبر و اختیار، برهانیه، اقناعیه، و افلاکیه) در یک مجموعه صحافی شده است. در اوایل رساله، مجلسی درباره طریقه عرفان و فلسفه گوید:

و اکثر مردم در این زمان ما آثار اهل بیت علیهم السلام را ترک کردند و اعتماد به رأی‌های خود نمودند. پس بعضی از ایشان مسلک حکما را اختیار کردند و خود گمراه شدند و دیگران را گمراه کردند و این جماعت به پیغمبری اقرار نکردند و به کتابی اعتقاد نمودند و به عقول ناقصه خود اعتماد کردند و تابعان ایشان، این طایفه حکما را پیشوایان خود می‌دانند و ایشان نصوص صریحه صحیحیه را که از انبّه علیهم السلام وارد شده است [نسخه: را. "حشو. همچنین «را» بعد از فعل صحیح نیست] تأویل می‌کنند به آنچه که موافق باشد با قول حکما با آنکه می‌بینند ادله عقلیه و شبهات واهیة ایشان را که افاده ظن و وهمی نمی‌کند بلکه فکرهای ایشان نیست مگر مانند تار عنکبوت {وَإِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعَنْكَبُوتِ} {عنکبوت: ۴۱/۲۹} و ایضاً این طایفه حکما صاحبان اهوای مختلفه و آرای متشتته‌اند (متشتته: پراکنده) پس بعضی

از ایشان مشائی اند و بعضی از ایشان اشراقی اند و کم است که رأی یکی از این طایفه با رأی طائفه دیگر موافق باشد [علامه مجلسی از «حکمت متعالیه» نام نبرد. زیرا مؤسس آن ملاصدرا است و معاصر با مجلسی است. صدرالمتألهین در دوره صفویه کتاب «اسفار» را نگاشت ولی دستگاه فلسفی حکمت متعالیه چند قرن بعد و در زمان قاجار، در کنار دو قسم دیگر قرار گرفت. حکمایی همچون ملا هادی سبزواری، قمشه‌ای، جلوه، زنوزی، و... با تدریس اسفار و دیگر کتاب‌های ملاصدرا، حکمت متعالیه را بر سر زبان‌ها انداختند. بنابراین، در زمان مجلسی، حکمت متعالیه به عنوان مکتبی فلسفی در کنار حکمت مشاء و حکمت اشراق مطرح نبود]. معاذالله که حق تعالی خلق را در اصول عقاید به عقول ایشان واگذار تا آنکه در چراگاه‌های جهان حیران گردند... چگونه جرأت می‌نمایند که تأویل می‌نمایند نصوص واضح را که از اهل بیت عصمت و طهارت صادر شده است با آن حسن ظنی که به اهل بیت علیهم‌السلام است به آنچه که موافق است به قول یونانی کافر که به دین و مذهبی اعتقاد ندارند. و طایفه دیگر از اهل زمان ما بدعت را دین خود اخذ نمودند و خدا را به آن بدعت عبادت می‌کنند و آن را تصوف نامیدند و رهبانیت برای خود اخذ نمودند و با آنکه پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نهی از رهبانیت نمود و امر نمود خلق را به تزویج و معاشرت خلق و حضور در جماعت ایشان و اجتماع با مؤمنین در مجالس ایشان و هدایت بعضی از ایشان بعض دیگر را و آنکه احکام الهی را به یاد یکدیگر دهند و مرضای [نسخه: مرضی] ایشان را عبادت نمایند و تشییع جنازه کنند و مؤمنان را زیارت کنند و در حوایج ایشان سعی کنند و امر به معروف و نهی از منکر نمایند و حدود خدا را بیاورند و احکام الهی را منتشر نمایند و رهبانیتی که ایشان اختراع نمودند مستلزم ترک جمیع این فرایض و سنن است. و ایضاً در آن رهبانیت عبادت‌ها اختراع کردند و بعضی از آنها ذکر خفی نامیدند و عمل خاص و هیئت خاصه بر آن قرار دادند چنان که هیچ آیه و حدیثی به آن دلالت نکرده است. بی‌شک و شبهه از بدعت‌های حرام است و رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرموده است هر بدعتی ضلالت است و هر ضلالتی راه آن به سوی آتش است و بعضی از عبادات مخترعه ایشان ذکر جلی است و آن را در شعار غنا می‌کنند و مانند خران صدای خود را

بلند می‌کنند... جمیع سنن و نوافل را ترک می‌کنند و نمازهای واجبی را مانند نفر غراب به جا می‌آورند و اگر از ترس علما نمی‌بود آن را نیز به جا نمی‌آوردند و همه را ترک می‌کردند و خدا لعنت کند ایشان را که به همان بدعت قناعت نکردند بلکه اصول دین را تحریف کردند و بر وحدت وجود قائل شدند و آن معنایی که از برای وحدت وجود در این زمان مشهور است و مسموع از مشایخ ایشان می‌شود، کفر است به خداوند عظیم و قائل شدند به جبر و سقوط عبادات و غیر آن‌ها از اعتقادات فاسده. پس حذر نمایید از این طایفه برادران من و حفظ کنید ایمان خود را از وسوس این گروه و تسویلات ایشان و پرهیزید از آنکه شما را فریب دهند به اطوار ساختگی خود که دل جاهلان را به آن می‌ربایند و اینک من می‌نویسم مجملی از آنچه از آن ظاهر شده است از برای من از اخبار متواتره از اصول مذهب تا آنکه گمراه نگردید از امامان و پیشوایان دین. (محمدکاظم هزارجریبی، نسخه خطی ترجمه رساله اعتقادات، کتابخانه ملی، شماره بازیابی ۳۲۱۴۹-۵)

در فرازی از عبارات مرحوم مجلسی آمده: «با آنکه می‌بینند ادله عقلیه و شبهات واهیه ایشان را که افاده ظن و وهمی نمی‌کند». هزارجریبی رساله‌ای با عنوان «شبهات واهیه» دارد. بعید نیست که در نامگذاری رساله‌اش تحت تأثیر مرحوم مجلسی بوده باشد؛ همان‌طور که معروف است ملاصدرا عنوان «حکمت متعالیه» را برای فلسفه خودش از یکی از عبارت‌های ابن‌سینا اخذ کرده است.

غیر از علامه مجلسی، بعید نیست که اساتید دیگر هزارجریبی، یعنی (علامه بحرالعلوم، سیدعلی طباطبایی، سیدمحمد مهدی موسوی شهرستانی) در شکل‌گیری روحیه عرفان‌ستیزی هزارجریبی تأثیرگذار بوده باشند. زیرا به دو سند دست یافته‌ایم که حاکی از روحیه عرفان‌ستیزی اساتید مذکور است و محتمل است که این روحیه و اندیشه را به شاگردشان (هزارجریبی) منتقل کرده باشند:

سند اول: محمدباقر هزارجریبی استاد بحرالعلوم در انتهای اجازه مبسوطی که به بحرالعلوم نگاشته است، در مذمت فلسفه چنین نوشته است:

«وایاه و صرف نقد العمر العزیز فی العلوم الموهمة الفلسفیه. فإنها کسراب بقیعة یحسبه»

۱۲۲ □ دو فصلنامه علمی - تخصصی مطالعات علوم حدیث، سال یازدهم، شماره ۱۴ بهار و تابستان ۱۴۰۲

الظَّمَانُ مَاءً.)) (شیخ عباس قمی، الفوائد الرضویة فی احوال علماء المذهب الجعفریة، ج ۲، ص ۶۶۲)
سند دوم: در «خیراتیّه» (محمدعلی بن وحید بهبهانی کرمانشاهی، خیراتیّه در ابطال طریقه صوفیه، ج ۱، ص ۷۶-۸۰) استشهادیه‌ای مندرج است که نظر شماری از دانشمندان قرن سیزدهم درباره نورعلی شاه و معصوم‌علی شاه و پیروانشان آمده است و در ذیل آن، گواهی‌های سیدمحمد مهدی طباطبایی، میرسیدعلی طباطبایی، و محمد مهدی موسوی شهرستانی درباره انحراف آن دو شخص وجود دارد و آن دو از بزرگان و شیوخ، تصوف و عرفان هستند.
هزارجریبی دور ساله در ارتباط با بحرالعلوم نگاشته است. این دو رساله در دو نسخه خطی با مشخصات ذیل آمده است:

- محمدکاظم هزارجریبی، نسخه جدلیه. تهران، کتابخانه ملی، شماره نسخه: ۱۴۶۲۸-۵.

- محمدکاظم هزارجریبی، نسخه جدلیه. تهران، کتابخانه ملی، شماره نسخه: ۳۲۱۴۹-۵.

چندی قبل یکی از این رساله‌ها تصحیح و منتشر شده است:

هزارجریبی، ۱۳۹۷ش، فضایل و کرامات علامه سیدمحمد مهدی بحرالعلوم، مصحح و محشی: علی قنبریان، مقدمه: علیرضا لیاقتی، تهران، نشر میراث فرهیختگان، چ اول.

هزارجریبی در رساله «جدلیه» چنین ایشان را توصیف می‌کند:

«خاتم علمای مجتهدین و خلاصه فضلال مؤیدین علامه زمان و فهامه دوران، سیدمحمد مهدی بن سیدمرتضی بن سیدمحمد الحسنی الحسینی الطباطبایی رضوان الله علیه و رفع الله فی الخلد مقامه... احدی از علمای سلف به فکر و دانش مثل او نبودند.»
سیدمحمد مهدی بن سیدمرتضی طباطبایی نجفی بحرالعلوم (۱۱۵۵-۱۲۱۲ق/۱۷۴۲-۱۷۹۷م)، فقیه، محدث، حکیم، ادیب و سردودمان آل بحرالعلوم و رئیس حوزه علمیه نجف و مرجع شیعیان در روزگار خود بود.

مورخان نقل کرده‌اند که سید مهدی به عنوان دانشجو برای استفاده از محضر درس فیلسوف بزرگ، میرزا سیدمحمد مهدی اصفهانی به خراسان سفر کرد. مدت ۶ سال در آنجا اقامت گزید و بالاترین بهره‌ها را از استاد خود گرفت. میرزا اصفهانی که از هوش سرشار شاگردش شگفت زده شده بود، روزی در اثنای درس خطاب به او گفت: «انما انت

بحرالعلوم» (به راستی تو دریای دانشی) و از آن لحظه سید به این لقب مشهور شد و امروز خانواده بحرالعلوم از خانواده‌های معروف و مشهور نجف اشرف می‌باشند و چهره‌های شاخصی در علم و عمل در بین آنان وجود دارد.

۱.۱۱. نقد عرفان‌ستیزی هزارجریبی

هزارجریبی از دانشمندان شیعی است که تلاش فراوان در نشر معارف اسلام و بیان فضایل اهل بیت علیهم‌السلام داشته است. آثار ایشان بیشتر رنگ و بوی حدیثی و روایی دارد و در ذکر احادیث، ترجمه سلیس و گویایی از آن‌ها ارائه می‌دهد. شکی نیست که هزارجریبی به‌عنوان یکی از متکلمانی است که دغدغه دین و دفع شبهات داشته و همش را در جلوگیری از کج‌روی‌های فکری به‌کار برده است و این امری پسندیده است اما به تبع محمدباقر مجلسی و بلکه تندروتر از ایشان فلسفه و عرفان و بزرگان آن‌ها را نقد کرده و حتی مورد شماتت و لعن و ناسزا قرار داده است. به نظر نگارنده علاوه بر آنکه برخی از نقدهای هزارجریبی به فلاسفه و عرفا وارد نیست و در جای خود اثبات خواهد شد، یک‌سویه‌نگری و پشت کردن به اندیشه‌ها و تولیدات علمی فلاسفه و عرفا که حاصل سال‌ها و بلکه قرن‌ها پژوهش و تعمق و تدقق در مسائل مربوط به وجود و عالم هستی است، شایسته نیست.

در خاتمه می‌توان گفت که مرحوم ملا محمدکاظم هزارجریبی از معدود تربیت‌شدگان مکتب اصولی و مدرسه وحید بهبهانی می‌باشد که در حدیث و کلام متأثر از روش حدیثی کلامی علامه ملا محمدباقر مجلسی بوده و از آن تأثیر عمیقی پذیرفته است.

شاید بتوان در آن دوره برخی دیگر از علمای اصولی را هم با این خصوصیت یافت نظیر مرحوم سیدعبدالله شبر (۱۲۴۲ق). البته این بدین معنا نیست که مرحوم مجلسی را یک اخباری بدانیم و هزارجریبی و امثال وی را هم بدانها ملحق کنیم.

۱.۲. استدلال بر اصول عقاید با روایات

هزارجریبی در مباحث کلامی و در استدلال‌اتش از عقل و نقل استفاده می‌کند لکن بیشتر

تکیه‌اش بر استفاده از نقل (آیات و روایات) بوده و دلایل و استدلال‌های مبتنی بر آن‌هاست. سبک نگارش ایشان کاملاً حدیثی و استدلال‌های ایشان عموماً برگرفته از آیات و روایات اهل بیت علیهم‌السلام و مسلمات اعتقادی شیعه می‌باشد. شاید بتوان ایشان را محدثی متکلم یا متکلمی محدث نامید. برای اثبات اصول عقاید شیعه و فروع آن، بارها از روایات استفاده کرده است؛ زیرا روایات نزد شیعه، حجت هستند. می‌توان گفت که این مشی علمی هزارجریبی در استدلال بر روایات در اصول عقاید شیعی، تا حدی تحت تأثیر علامه مجلسی بوده است؛ زیرا مجلسی در برخی از کتب خویش نظیر «رساله اعتقادات» چنین مشی و کاربرد روایات را بارها به کار برده است و هزارجریبی نیز نه تنها کتاب مذکور را مطالعه کرده است بلکه اولین نفری بوده است که آن را به فارسی ترجمه کرده است.

۳ نمونه از کاربرست احادیث در اثبات عقاید در آثار هزارجریبی ذکر می‌شود:

الف) هزارجریبی در اثبات توحید در خالقیت و توحید در رازقیت و نفی غلو از برهان امکان استفاده کرده و در نهایت به فرمایش حضرت علی علیه‌السلام در دعای کمیل اشاره می‌کند:

«يَا مَنْ بَدَأَ خَلْقِي وَ ذَكَرِي [و تَرِيَّتِي] وَ بَرِّي وَ تَغْذِيَّتِي» (محمدبن‌الحسن طوسی، مصباح‌المتهجد و سلاح‌المتهجد، ج ۲، ص ۸۶۴). یعنی: ای آن کسی که ابتدا کردی خلق کردن مرا و ذکر مرا و موجود گردانیدن مرا و نیکی کردن به من و روزی و غذا دادن مرا. (محمدکاظم هزارجریبی، نسخه خطی کاشف‌الغلو و هادی‌الغلو، قم، کتابخانه طبسی "امام رضا علیه‌السلام"، شماره بازیابی: ۶۰۰/۱۳)

ب) وی معاد جسمانی را اجماع مسلمانان، ضروری دین، و نص قرآن دانسته و منکر آن را کافر شمرده است. به اشکالی که در معاد جسمانی مطرح است یعنی امتناع اعاده معدوم اشاره و در رد آن از «احادیث به تواتر معنوی» بهره گرفته است (محمدکاظم هزارجریبی، مجموعه آثار محمدکاظم هزارجریبی: کاشف‌العدل اقناعیه برهانیه، ص ۱۰۵-۱۰۶).

پ) هزارجریبی در یکی دیگر از رساله‌هایش، با استدلال بر روایتی در اثبات وجود خداوند متعال، برهان نظم را بیان می‌کند:

(و ابن‌بابویه در "معانی‌الآخبار" از حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام نقل کرده است که از حضرت علیه‌السلام سؤال کرده شد از اثبات صانع عالم، فرموده است که: "الْبَعْرَةُ تَدُلُّ عَلَى الْبُعِيرِ وَ

الرُّؤْيَةُ تَدُلُّ عَلَى الْحَمِيرِ وَ آثَارُ الْقَدَمِ تَدُلُّ عَلَى الْمَسِيرِ فَهَيْكَلُ عَلَوِي بِهِذِهِ اللَّطَافَةِ وَ مَرْكَزُ سُفْلِي بِهِذِهِ الْكُثَافَةِ كَيْفَ لَا يَدُلَّانِ عَلَى اللَّطِيفِ الْخَبِيرِ" (محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۳، ص ۵۵) یعنی هرگاه پشکل شتر دلالت کند بر وجود شتر و پشکل خر، دلالت کند بر وجود خر و اثر قدم دلالت کند بر گذشتن صاحب قدم، پس آسمان بلند به این لطافت و زمین در زیر پاها با این هیئت، چگونه دلالت نمی کند بر خالق علیم. « (محمدکاظم هزارجریبی، نسخه خطی اثبات الصانع و اصول دین، قم، کتابخانه مسجد اعظم، شماره نسخه: ۴۱۴/۱)

نتیجه

خصوصیات علمی مرحوم هزارجریبی را باید در بین آثار بازمانده از ایشان شناخت. با توجه به تعدد آثار و تنوع موضوعی آن‌ها و بعضاً تفاوت مشی علمی در تألیف این آثار، دریافت خط فکری متناسب با این تألیفات کاری زمان‌بر و نیازمند تسلط بر مکاتب کلامی و حدیثی و حتی اصولی و اجتهادی مختلفی است که در بین اندیشوران شیعه در علوم مختلف وجود داشته و همین باعث دشواری چنین کاری است.

البته با توجه به تصحیح و مقابله و نشر آثار متعددی از هزارجریبی می‌توان به این کار مبادرت نموده و میزان تأثیرپذیری او را از این مکاتب و صاحبان فکری آنها دریافت. با مطالعه آثار هزارجریبی، به وضوح می‌توان دریافت که وی در مباحث مربوط به علوم حدیث از علامه محمدباقر مجلسی بسیار تأثیر پذیرفته است. هزارجریبی در آثارش به کرات نام مجلسی را با احترام برده و شیوه ایشان را در اخبار و روایات ستوده است. مجلسی و به تبع ایشان هزارجریبی، با تأویل نقل (قرآن و روایات) بدون قرینه و شاهد، که توسط عرفا و فلاسفه صورت گرفته است، مخالفت کرده‌اند.

کتابنامه

- قرآن کریم.
- بنی‌طبا، سیدحسن، ۱۳۷۲، مناہج الحق و النجاة یا سه گفتار اعتقادی، قم: مرکز نشر آثار شیعه، چ اول.
- جهان‌بخش، جويا، ۱۳۹۱، مزدک‌نامه ۵: یادبود پنجمین سالگرد درگذشت مهندس مزدک کیان‌فر، «ملا محمدکاظم هزارجریبی و دو رساله غلوستیزانه‌اش»، به کوشش: پروین استخری و جمشید کیان‌فر، تهران، انتشارات پروین استخری، چ اول، ص ۵۱-۱۱۰.
- حسن‌بیگی، علی و دسترنج، فاطمه و احمدی، زهرا، رهیافتی بر مبانی فهم حدیث علامه محمدباقر مجلسی در مرآة العقول (مطالعه موردی بخش اصول کافی)، دوفصلنامه علمی مطالعات قرآن و حدیث، دانشگاه امام صادق علیه السلام، سال ۱۶، شماره ۱، پیاپی ۳۱، پاییز و زمستان ۱۴۰۱، ص ۱۲۵-۱۵۳.
- زبرجد، مریم‌السادات و غروی نائینی، نهله، ملاک‌های نقدالحديثی علامه مجلسی در تنقیح احادیث موضوعه در بحارالانوار، پژوهش‌نامه قرآن و حدیث، شماره ۲۵، پاییز و زمستان ۱۳۹۸، ص ۱۱۵-۱۳۶.
- صفری، علی‌اکبر، ۱۳۹۳، جشن‌نامه آیت‌الله رضا استادی، «فهرست خودنوشت ملا محمدکاظم هزارجریبی»، به کوشش: رسول جعفریان، قم، نشر مؤرخ با همکاری کتابخانه تخصصی تاریخ اسلام و ایران، چ اول، ص ۹۰۷-۹۱۹.
- طوسی، محمدبن‌الحسن، ۱۴۱۱ق، مصباح‌المتهجد و سلاح‌المتعبد، بیروت، ناشر: مؤسسة فقه الشیعة، چ اول.
- عمید، حسن، ۱۳۷۹ش، فرهنگ فارسی عمید، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، چ بیست و دوم.
- قاسم‌پور، محسن و مختاری هاشم‌آباد، ابوطالب، مبانی اعتبارسنجی روایات بحارالانوار نزد علامه مجلسی، دوفصلنامه علمی پژوهشی حدیث پژوهی، سال نهم، شماره هجدهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۶، صفحه ۱۴۳-۱۶۴.
- قمی، عباس، ۱۳۸۵ش، الفوائد الرضویة فی احوال علماء المذهب الجعفریة، قم، نشر بوستان کتاب، چ اول.

قنبریان، علی، ۱۳۹۸، تبیین تحلیل و نقد اندیشه‌ها و نظریات محمدکاظم هزارجریبی استرآبادی براساس نسخه‌های خطی برجای مانده، ویرایش: مؤسسه فرهنگی هنری «نوبین پژوهش قیاض»، تهران: میراث فرهیختگان، چ اول.

_____، ۱۳۹۸، تبیین تحلیل و نقد اندیشه‌ها و نظریات محمدکاظم هزارجریبی استرآبادی براساس نسخه‌های خطی برجای مانده، ویراستار و سفارش‌دهنده: مؤسسه فرهنگی هنری «نوبین پژوهش قیاض»، تهران: انتشارات میراث فرهیختگان، چ اول.

کرمانشاهی، محمدعلی بن وحید بهبهانی، ۱۴۱۲ق، خیراتیة در ابطال طریقه صوفیه، محقق: سیدمهدی رجایی، قم، مؤسسه علامه مجدّد وحید بهبهانی: انتشارات انصاریان، چ اول.
مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، بحارالانوار، محقق و مصحح: جمعی از محققان، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چ دوم.

محمدکاظم هزارجریبی، نسخه خطی اثبات الصانع و اصول دین، قم، کتابخانه مسجد اعظم، شماره نسخه: ۴۱۴/۱.

هزارجریبی استرآبادی، محمدکاظم، ۱۳۹۵ش، مجموعه آثار محمدکاظم هزارجریبی: کاشف العدل اقناعیه برهانیه، مصحح و محشی: علی قنبریان و علی کریمی، تهران، نشر صبا، چ اول.
هزارجریبی، محمدکاظم، ۱۳۹۵، مجموعه آثار محمدکاظم هزارجریبی (تحفة الاخیار، افضلیت ائمه، تحفة المجاور، حدیث عنوان بصری، گنج الشفاء و رافع الداء، رساله از وضو و نماز)، مصحح: علی قنبریان (قیاض) و محمد رضائی نسب (تهرانی)، تهران: صبا، چ اول.

_____، ۱۳۹۶، پنج رساله از محمدکاظم هزارجریبی: محک النبیین فی شأن امیرالمؤمنین علیه السلام، سلمانیه، محک الایمان، رافعة التوهم، ناشناخته، مصحح: علی قنبریان، مقدمه: ابراهیم ارشادی، ویرایش: مؤسسه فرهنگی هنری «نوبین پژوهش قیاض»، تهران: میراث فرهیختگان، چ اول.

_____، ۱۳۹۶، فواید و برکات اسلام و ایمان: تصحیح رساله دعائم الاسلام، تصحیح و تعلیقات: علی قنبریان، مقدمه: وحید حاتمی شندی، تهران، نشر میراث فرهیختگان، چ اول.

_____، ۱۳۹۷، در مکتب اسلام: تصحیح رساله فواید لطیفه، مصحح: علی قنبریان، ویراستار: مؤسسه فرهنگی هنری «نوبین پژوهش قیاض»، تهران: میراث فرهیختگان، چ اول.

_____، ۱۳۹۸، سنجش و نقد فلسفه و عرفان: تصحیح رساله منبّه المغرورین، مصحح: علی قنبریان، طراح جلد، صفحه‌آرا، و سفارش‌دهنده: مؤسسه فرهنگی هنری «نوبین پژوهش قیاض»،

۱۲۸ □ دوفصلنامه علمی - تخصصی مطالعات علوم حدیث، سال یازدهم، شماره ۱۴ بهار و تابستان ۱۴۰۲

تهران: میراث فرهیختگان، چ اول.

_____، ۱۴۰۰ش، نقد و مذمت اهل غلو: تصحیح و احیاء سه رساله غلوستیزانه، مصحح:
علی قنبریان و علیرضا لیاقتی هزارجریبی، مقدمه: محسن اراکی و سیدمرتضی حائری طبسی، تهران:
میراث فرهیختگان، چ اول.

_____، نسخه خطی ابواب احوال صاحب الزمان، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، نسخه
شماره G.T. ۲۲۳، تاریخ عکسبرداری: دی ماه ۱۳۹۰.

_____، نسخه خطی اثبات الخلافه، قم، کتابخانه مرعشی نجفی، شماره نسخه: ۷۱۹۹، تاریخ
عکسبرداری: ۱۳۷۰/۰۸/۱۰.

_____، نسخه خطی ترجمه رساله اعتقادات، کتابخانه ملی، شماره بازیابی ۳۲۱۴۹-۵.

_____، نسخه خطی کاشف الغلو و هادی اهل العلو، قم، کتابخانه طبسی (امام رضا علیه السلام)،
شماره بازیابی: ۶۰۰/۱۳.

_____، نسخه خطی کنزالفوائد، قم، کتابخانه طبسی (امام رضا علیه السلام)، شماره نسخه: ۳۶۶/۱.

_____، نسخه خطی کنزالفوائد، قم، کتابخانه فیضیه، شماره نسخه: ۱۰۰۶.

_____، نسخه خطی معارف الأئمه، قم، کتابخانه مرعشی نجفی، شماره نسخه: ۴۷۹۸.

هزارجریبی، محمدکاظم، نسخه خطی منبئه المغرورین، تهران، کتابخانه ملی، شماره نسخه:

۵-۳۲۱۴۹